



ارگان حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

سه شنبه ۲۷ آبان ۲۷

شماره چهارم دوره دوم

بها یگربال

نه شرق و نه غرب
این است سیاست ملی ایران

یکی از بزرگترین نیامنتهای هیئت حاکمه در چند ساله
تذکیر بار اخیر شرکت دادن ایران در دسته بندیها نظامی
و پیوستن به پیمان تنگین بغداد می باشد
سیاست ملی ایران در دو پنجاه سال گذشته بر پایه استفاد
از تضاد منافع استعمارگران بیگانه قرار داشته و هرگاه
زمامداران دست نشانده وقت از این رویه تاریخی دست
گرفته اند زیانهای بیشماری دامنگیر ملت ایران شده است
در شرایط کنونی نیز موقعیت جغرافیائی و عوامل متعددی
سیاسی و نظامی میهن ما را در روز بروز منافع دولتی
شرق و غرب قرار داده و فرصت مناسبی برای استفاده مردم
ایران از هر دو سیاست پدید آورده.

دمشقان ایران باید جاری خود را
در صفوف رزمجویان ملی پر کنند

در کشور ما که بیش از هفتاد درصد جمعیت آنرا نانوایان
روستایی تشکیل میدهند و قسمت عمده درآمد ملی از تولید
فراآورده های کشاورزی تأمین میسرودد مسئله تفسیر سیستم
مالکیت اراضی مزروعی یکی از برجسته ترین هدفهای ملی
می باشد.

هیئت حاکمه که بنحوی از تولد و نصیب نمود آگاهی دارد در
ظاهر با اصلاح امور کشاورزی عازتمندی نشان میدهند و هر دو
سه سال یکبار با دادن چند سند مالکیت به پاره ای از
کشاورزان و یا با فرستادن چند تن از نورچشمها بعنوان
روستازادگان برای بازدید از کشورهای خارجی تبدیلیات دامنه
داری براه می اندازد.

ولی باید به هیئت حاکمه فهماند که اگر اینگونه اعمال
استثنائی در نیم قرن پیش اصلاحات ترقیخواهانه تلقی میشد
در جهان امروز جز بدنامی فراوانی جایز نیست
ای کاش هیئت حاکمه

سیدکار ایران بجای اینهمه
شکنجه و آزار که بدردم روا
میدارد پشم میکشود و

و سه هیئت حاکمه دکتر حسین
ایران را تیر باران کرد.

هندوستان و یوکسانوی
توانسته اند با پیش
رفتن سیاست ریشه

در اطراف خود به ترقیات شگفت آور ملتگاهی که فرسندنها
از ملت ایران محبت بودند میگذریست در هندوستان
پس از ده سال استقلال دیگر اثری از مالکیت ترون وسطائی
دیده نمیشود و بیشتر اراضی کشاورزی در برابرسفقه های
طویل المدت از زمین داران گرفته و بروستائیان داده اند
در مصر دولت انقلابی عبدالناصر مسئله فلاحین را در ظرف

پنجاه سال حل کرده و تمام اراضی کشاورزی را تحت نظر
دولت بدمشقان سپرده است جای دودنرویم در همین کشور
عراق که چند صباحی پیش نیست موزه حکومت ملی را پیشیده

برابر قانون جدید کشاورزی بتمام روستائیان زمین داده
شده است. بدیهی است از دولتگاهی که وجود آنها برای
دفاع از منافع طبقه حاکمه خطر شده نمیتوان انتظار داشت
برای پیش برد هدفهای ملی نام بردارند و این وظیفه
کشوران زنجیر شده ایرانی است که در راه گرفتن حقوق مسلم
خود اهتمام شده و برای ایجاد حکومتی که به سیستم منفرس
مالکیت اراضی روستائی پایان دهد در صفوف نهضت ملی
جای خود را پر کنند.

ملی از هر دو قدرت بزرگ جهانی در راه پیشرفت خود بهره
برداری کنند ولی هیئت حاکمه مزدور ایران در اثر هم آغوشی
چاکرانه با بلو غرب نه تنها راه هر گونه بهره برداری
از بلو شرق را بسته بلکه تورات عظیمی را متوجه آینده
میهن ما ساخته است.

مانده در صفحه دو
بخوانان دلسرد حزب توده
" انحرافات سیاسی گذشته را با سکوت و عزلت تهدید نکنید "

پس از آنکه سران حزب توده با نیامنتهای مکرر نهضت
ملی ایران را در بزمست ۲۸ مرداد قرار دادند نه تنها باعث
از دست رفتن بزرگترین فرصت تاریخی ملت ما شدند بلکه
با اتناذ سیاست کتبار و مریز در برابر جنایات هیئت حاکمه
تشکیات خود را نیز بسندناخ نابودی کشانده گروهی از زبده
ترین نیروهای وطن ما را بمیدانهای مرگ و کت زندانها -
فرستادند.
مانده در صفحه دو

نه شـ... نه غـرب

بدون تردید سیاست‌رویی‌ها مانند سیاست‌انگلیس و آمریکا
بکشور زنجیر شده ما نیز از دریچه‌های استعمار زناه
نمیکنند و در کرسی از این‌ها و سیاست را نکیه گاه همیشه
و قابل اعتماد ملت ایران تلتی نماید راه خیانت پوئیده
بهمین دلیل پذیرش برنامه ناسیونالیستی برای ایران
ایجاب میکند که از نزدیکی زیاد باردوی کاپیتالیسم یا
کمونیسم خودداری شود و شکل ارتبا با هر یک از این دو
بلور پر از ارزیابی منافع زمانی ملت ایران تعیین گردد.
ملت ما پر از ریشه کن کردن نفوذ استعمار برای سالیان
دراز بی سیاست تاریخی آرام و بدون دغدغه نیاز داره تا
در پناه آن بتجدید ساختمان درونی خود و گسترش تمدن
ملی بپردازد.

بگمان ما باید هر چه زودتر سیاست ضد ملی و یکدگره
هیئت حاکمه تبیهکار پایان داد و بجای تکیه کردن به
پیمانهای پوسیده نظامی در راه محبستگی با ملت‌های آزاد
جهان بویژه ملت‌های استعمار زده آسیا و افریقا کوشش
نمود. "شکسته باد ضد بندیهای نظامی شرق و غرب" "
"استوار باد محبستگی کشورهای آسیائی و آفریقائی"
پاینده ایران

بجوانان دلسرد حزب توده
بدنبال این شکست جوانان حزب توده که سالها مبارزه را
پشت سر گذاشته بودند یکی پس از دیگری صفوف مبارزه را
ترک کردند و این بود اشتباه بزرگی بود که در حقیقت
بیش از عمل انجام یافته کودتا در سر نوشت نهضت ملی
مؤثر واقع شد. چه کناره گیری این عده از مبارزه که نتیجه
غلامی رهبری خیانتکارانه گردانندگان حزب توده بود تسستی
از نیروهای ارزنده‌ای را که می توانست و حقا میبایستی که
در مسیر اصیل هدفها ملی به نبرد نویی ادامه دهند از
جاده اصلی منحرف کرد و آنها را به گوشه خانه پایشان فرستاد
بعد از بیست و هشتم مرداد ۳۲ که نقش زیاده کارانه و
خیانت آمیز گردانندگان حزب توده بر جوانان پر شوری که
مبارزه‌کنان جز عظمت و استقلال میهن سودائی در سر نمایی
پروراندند آشکار شد و تبصیرت ظاهر آن از گرمین و باطنی
از "داویند استریت" رهبران باطنی انقلابی حزب

توده را ظاهر ساخت.

آنها را که بیدریغ همه زندگی خود را در اختیار این سازمان
گذاشته بودند و در حقیقت تنها نگاه امیدشان حزب توده
بود منت نوید و دل افسرده ساخت تا بآن پایه که فراغتی
و شرابی و گوشه چینی را بر همه امیدهای بر باد رفته
ترجیح دادند و بقول معروف مبارزه را بوسیدند و کنار
گذاشتند غافل از اینکه وظیفه و مسؤولیت تجاری را که
تاریخ بر صنده آنها گذاشته بود از همان هنگام شروع میشد
در چنین موقعیتی بود که راه اصلی مبارزه می توانست بر
آنها آشکار شود و نیروی مبارزاتی پر انرژی را که را کد
مانده یا در مجرای انحرافی بروز میرفت در مسیر صحیح
نویس بکار برند.

امروز هر چه هنوز مغزهای این جوانان نتوانسته از زیر
گیچی فشار ضربه خیانت دستگاه رهبری حزب توده و کودتای
۲۸ مرداد وارد اما دل‌های پر هیجان آنها در آرزوی تحقق
یا فتن آرمانهای ملی می باید.

بر شماست که دین خود را در مقابل تاریخ و ملت خویش ادا
کنید و براه ملت باز گردید.
برای باز گفت باغوش ملت همین موقع دیر نیست و شما که
جز اشتباه در شناخت و بصیرت‌های فکری و عملی حزب توده
گناهی نداشته‌اید بیش از هر کس و هر موقع انرم است که
اشتباه خود را جبران کنید و برای گام بنهید که افتخار
جاویدان آن اشتباه گذشته شمارا جبران کند.

ای رهگذر از اشعار " دوران خاموش فرانسه

- بالبهای دوخته
- با تنهای کوفته
- با پاهای برهنه
- پسرانم را با سیری بردند
- با سیری بردند
- و دوران سایه‌های درختان جنگل " مارلی " که در آنجا
- جنگیدن را آموخته بودند
- پسرانم را با آتش بستند
- با آتش بستند
- ای رهگذر .. آیا از گور آنها نشانی نداری ؟
- دسته گلی از جنگل " مارلی " برایشان می برم که آنجا ...
- پسرانم " جنگیدن " را آموخته بودند
- " جنگیدن " را آموخته بودند